

## اصلاح ساختار شورای امنیت و بررسی علل شکست آن

مریم مرادی<sup>۱</sup>، ابومحمد عسکرخانی<sup>۲</sup>، سودابه نصیری پور<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین الملل قشم، قشم، ایران

<sup>۲</sup> استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین الملل قشم، قشم، ایران

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین الملل قشم، قشم، ایران

### چکیده

پس از گذشت بیش از نیم قرن از عمر سازمان ملل متحد در دو دهه اخیر شاهد بروز تحولات تدریجی و مهمی در فضای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اداری حاکم بر آن می‌باشیم که در طول حیات آن بی نظیر بوده است. هم اکنون سازمان ملل متحد دیگر صحنه مقابله دو بلوک شرق و غرب و ایدئولوژیهای سرمایه داری و کمونیستی نیست و این امری است که بخصوص خود را در مجموع تصمیم‌گیریهای شورای امنیت نشان می‌دهد و بر این اساس دولتها با تقویت نقش سازمان ملل متحد و ارگانهای وابسته بین المللی موفق شده‌اند. آنها بر این باورند که سازمانهای باقی مانده از دوران جنگ سرد توانایی پاسخگویی به نیازهای دوران جدید را ندارند و بازده آنها، با هزینه‌ها، نیروها و مدت زمانی که صرف آنها می‌شود مطابقت نمی‌کند. شورای امنیت نشان‌دهنده جایگاه کشورهای قدرتمند در سازمان ملل از بدو تاسیس آن است. در واقع شورای مذکور که به ویژه حق وتو را برای اعضای مؤسسش در بردارد، وجه تمایز بین این اعضا است که در مراحل بعدی به سازمان ملل پیوستند. با این حال شورای امنیت در طول حیاتش به جز در موارد محدودی نتوانسته نهاد تأثیرگذاری باشد و به ویژه وظیفه اصلی‌اش یعنی حفظ صلح و امنیت بین المللی را به خوبی انجام دهد. یکی از دلایل این عدم موفقیت جنگ سرد و دوران نظام دو قطبی بود که با توجه به برخورداری آمریکا و شوروی از حق وتو عملاً قطعنامه مؤثری صادر نشد. با این حال پایان جنگ سرد نشان داد که شورای امنیت برای کسب کارایی نیازمند اصلاحات اساسی است. مهمترین مسئله در این بین حق وتوست که تنها در اختیار ۵ کشور جهان است که خود یکی از دلایل نارضایتی دیگر کشورهای عضو به شمار می‌رود. این پژوهش درصدد است تا علاوه بر بررسی ساختار شورای امنیت موانع و راهکارهای لازم برای طرح کنونی اصلاحات در آن را ارزیابی کند؛ و در پی پاسخگویی به سؤالات زیر است: ۱. ضرورت‌ها و موانع اصلاحات در شورای امنیت چیست؟ ۲. علل تجدید ساختار شورای امنیت چیست؟

**واژه‌های کلیدی:** شورای امنیت، سازمان ملل، نظم نوین بین المللی.

## ۱. مقدمه

در طول بیست سال اخیر، ضرورت بروز اصطلاحات در ساختار، برنامه ها و روش تصمیم گیری در یکی از مهمترین ارکان سازمان ملل متحد یعنی شورای امنیت احساس می شده است. امروزه برای مواجه شدن با مسایل و کاهش مشکلات بین المللی، نیاز به تجدید ساختار مناسب و توانمند این سازمان که با همراهی و حمایت های معنوی و مادی بازیگران اصلی آن بکار آیی رسیده باشد، نیازی است فوری و پاسخ بدان برای تنظیم و تحکیم روابط لازم می نماید به گونه ای که بتوان در پی واکنش مثبت به این نیاز، تنش های بین المللی را تا حد ممکن در سطح جهان (نه تنها در گوشه ای بسیار محدود) کاهش داد و انتظارات مردم جهان به گسترش روابط متعادل را برآورده ساخت. نکته قابل توجه اینکه جهان غرب با قدرت برتر نظامی، اقتصادی و سیاسی، خود را بعنوان جهان برتر محسوب می نماید و طبیعتاً نمی تواند تجدید ساختار این سازمان را به گونه ای قابل ملاحظه آنهم در جهت تامین منافع کشورهای جهان سوم خواستار باشد و مسلماً منافع جهان پیشرفته خود را در سطح وسیع تری در نظر داشته و خواهد داشت. البته در موقعیت فعلی، کشورهای جهان سوم به این واقعیت واقف اند اما چاره ای جز قبول واقعیات موجود در نظام بین المللی و حفظ نهادهای فعلی آنرا ندارند و انجام این اصلاحات را همراه با تن دادن به این واقعیات طلبیده و از برخورد متقابل با روابط نامطلوب ناشی از این واقعیت پرهیز می کند که در این تحقیق به دلایل این پرهیزکاری اشاره شده است. این تحقیق بررسی تجدید ساختار شورای امنیت و علل شکست یا توقف این طرح را شامل می شود که بیشتر جنبه حقوقی سیاسی سازمان ملل متحد را مورد پژوهش قرار می دهد. پاسخی که این تحقیق در نهایت به آن دست می یابد این است که عدم توافق بین اعضای سازمان ملل متحد برای ایجاد تغییرات، طرح را با شکست یا توقف روبرو می نماید. فراموش نکنیم که بر اساس ماده ۲۴ منشور، مسوولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین المللی برعهده شورای امنیت گذاشته شده است و با توجه به پذیرش این باور (از سوی کشورهای مختلف جهان) مبنی بر نقش افزایش یافته سازمان و بالادستی شورای امنیت، کار بررسی تجدید ساختار شورای امنیت و تأثیر عوامل بر آنرا بایستی امری ضروری و نیازی ملموس به حساب آورد، به خصوص که اهمیت موضوع، اهمیتی مستمر است.

## ۲. سوالات تحقیق

- ۱- ضرورت ها و موانع اصلاحات در شورای امنیت چیست؟
- ۲- علل تجدید ساختار شورای امنیت چیست؟

## ۳. فرضیات تحقیق

۱- گرچه عدم تطابق توزیع قدرت در سازمان ملل با توزیع قدرت در سطح نظام بین المللی پس از جنگ سرد؛ مهمترین ضرورت برای اصلاحات است، اما عدم هماهنگی بین منافع اعضای دائمی شورای امنیت در مورد نوع اصلاحات در سازمان ملل و همچنین رقابت های سیاسی در خارج از سازمان ملل موانع اصلاحات بنیادی در شورای امنیت می باشد.

۲- شورای امنیت با ترکیب کنونی منعکس کننده ترکیب جامعه بین المللی در دوران معاصر نیست و موجب شد تا اصلاح ساختار شورای امنیت از سال ۱۹۹۳ به این سو، در دستور کار مجمع عمومی سازمان ملل قرار گیرد.

## ۴. روش تحقیق

روش تدوین در این مقاله روش توصیفی-تحلیلی میباشد. در این روش علاوه بر آنکه به توصیف و تفسیر آنچه هست می-پردازیم، به تحلیل داده ها (اطلاعات جمع آوری شده) نیز پرداخته میشود

روش‌های کتابخانه‌ای در تمامی تحقیقات علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد، ولی در بعضی از آنها در بخشی از فرآیند تحقیق از این روش استفاده می‌شود و در بعضی از آنها موضوع تحقیق از حیث روش، ماهیتاً کتابخانه‌ای است و از آغاز تا انتها متکی بر یافته‌های تحقیق کتابخانه‌ای است. ابزار گردآوری اطلاعات در این زمینه بصورت کتابخانه‌ای و فیش برداری بوده و در آن سعی شده علاوه بر بهره جستن از راهنمایی‌های اساتید بزرگوار از دیگر منابع موجود اعم از مجلات حقوقی و سایتهای حقوقی، کتب، مقالات و پایان نامه‌های مرتبط با موضوع استفاده شود.

##### ۵. ضرورت و اهمیت اصلاح ساختار شورای امنیت

بر اساس ماده ۱ از فصل اول منشور؛ هدفهای اصلی سازمان ملل متحد عبارتند از: ۱- حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ۲- توسعه روابط دوستانه بین الملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل ۳- همکاری بین‌المللی برای حل مسائل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا بشردوستانه است و پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب ۴- به وجود آوردن مرکزی برای هماهنگ نمودن اقداماتی که ملل مختلف جهت حصول این هدف‌های مشترک معمول می‌دارند. (موسی زاده، ۱۳۸۲: ۹۵)

البته لازم به ذکر است که با تحولات جدید، گرچه بارقه‌های کم‌نوری از نظم نوین جهانی در حال شکل‌گیری است، اما شیوع و غلبه این اندیشه در آینده به طور فزاینده‌ای تقویت خواهد شد. به زعم تلاش‌های بی‌رمقی که برای کنترل آلودگیهای محیط زیست، کنترل جمعیت و اقدامات جمعی آن می‌شود، ولی هنوز فضای حاکم بر سیاست خارجی عمدتاً ملی‌گرایانه و ندرتاً جهانگشایانه است. هر چند که شعار نظم نوین جهانی از اعتبار فزاینده‌ای برخوردار می‌شود، ولی هنوز تمایلات امپریالیستی و یا ملی‌گرایانه سلبی و خود محور مانع تحقق این نظم نوین است. (سیف‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۹۳)

##### ۶. نظم نوین بین‌المللی و شورای امنیت

بعد از جنگ جهانی دوم، سازمان ملل به طور کلی و شورای امنیت به طور خاص دستخوش روابط قدرت‌های بزرگ بوده‌اند. در جریان جنگ سرد، در نتیجه رقابت میان آمریکا و شوروی، شورای امنیت در بن بست قرار گرفت. در نتیجه اکثر مسائل دیپلماتیک مربوط به روابط آمریکا و شوروی، از جمله توافقنامه‌های مربوط به کنترل تسلیحات و اختلاف بر سر مسائل امنیتی، به صورت دوجانبه و نه از طریق شورای امنیت حل شد. در حال حاضر هم این شورا همین وضع را دارد و نمونه آن اتفاقی بود که بر سر موضوع جنگ عراق روی داد و این شورا نتوانست در رد یا قبول این جنگ تصمیم قاطعی بگیرد.

نخستین جلسه شورای امنیت در سال ۱۹۳۶ در لندن برگزار شد. اعمال تحریم تسلیحاتی علیه آفریقای جنوبی در سال ۱۹۶۳، اعزام نیروی صلح بان به قبرس در سال ۱۹۶۴، دادن مجوز استفاده از زور برای عقب راندن نیروهای عراقی از کویت در سال ۱۹۹۰، اعمال تحریم علیه لیبی بعد از انفجار لاکربی در سال ۱۹۹۲، تصمیم به ایجاد دادگاه جنایات جنگی در لاهه در سال ۱۹۹۳، اعزام نیروی صلح بان به تیمور شرقی در سال ۱۹۹۹، مداخله در بحران کوزوو در سال ۱۹۹۹ و بالاخره حمایت از دولت موقت عراق که با دخالت آمریکا تشکیل شده بود در سال ۲۰۰۳، از جمله مهمترین اقدامات شورای امنیت در تاریخ حیاتش بوده است (قدیری، ۱۳۸۳)

##### ۷. تحول وظایف و نقش شورای امنیت

تحولاتی همچون فروپاشی شوروی و پایان نظام دوقطبی، افزایش نقش بعضی بازیگران بین‌الملل، افزایش تعداد و نقش کشورهای جنوب، کاهش مشروعیت شورا، شکل‌گیری اتحادیه اروپا و افزایش وظایف شورای امنیت مهمترین زمینه‌ها و ضرورت‌هایی هستند که کشورها و کارشناسان طرفدار اصلاح شورای امنیت مطرح می‌کنند.

شورای امنیت مطابق ماده ۲۳ منشور ملل متحد از ترکیب پنج عضو دائم یعنی چین، فرانسه، اتحاد جماهیر شوروی (که فعلاً روسیه جانشین آن شده است)، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا و ده عضو غیردائم که توسط مجمع عمومی برای یک دوره دو ساله انتخاب می‌شوند تشکیل شده است.

طبق ماده ۲۴ منشور، شورای امنیت از طرف تمامی اعضای سازمان ملل مسئول اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است و باید در اجرای این وظایف طبق اهداف و اصول ملل متحد عمل کند. (دولت‌شاه، ۱۳۹۲: ۲۳):

## ۸. موارد تغییر ساختار شورای امنیت

### ۸-۱- افزایش اعضای شورای امنیت

پیشینه تقاضا برای تغییر ساختار شورای امنیت و افزایش اعضای آن به کنفرانس سانفرانسیسکو باز می‌گردد. در همان زمان برخی دولتهای شرکت کننده بر این باور بودند که محدود کردن اعضای دائم شورای امنیت به پنج دولت قدرتمند، برخلاف رویه جامعه ملل است که در آن راه برای عضویت دیگر قدرتهای بزرگ باز گذاشته شده بود، چرا که ممکن است در آینده کشور یا کشورهایی از این پنج عضو توان ایفای وظایف و مسئولیتهایی را که بر عهده آنها گذاشته است را از دست بدهند. بدین ترتیب پیشنهادی برای تعیین اعضای دائم مطرح شد که ملاک توانمندترین دولتها برای ایفای وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد، اما قدرتهای متفق که اندیشه عضویت دائم در شورای امنیت را از مدتها قبل در سر می‌پروراندند این پیشنهاد را رد کردند.

تنها اصلاح مهم در شورای امنیت در سال ۱۹۶۵ صورت گرفت که با افزایش اعضای سازمان ملل از ۵۱ عضو در بدو تاسیس به ۱۱۴ عضو موافقت گردید. البته تعداد اعضای غیر دائم شورای امنیت نیز طی قطعنامه‌ای در سال ۱۹۶۳ از ۶ عضو به ۱۰ عضو افزایش یافته بود؛ اما این قطعنامه حق وتو را همچنان برای ۵ عضو دائمی حفظ کرد. (شاکریان، ۱۳۷۴: ۴۹). هند در سال ۱۹۷۹ پیشنهادی برای تغییر در شورای امنیت ارائه داد که خواستار افزایش غیر دائم از ۱۰ به ۱۴ عضو شده بود. در آن زمان همه اعضای شورای امنیت (به استثنای چین) با هر گونه افزایشی در تعداد اعضای غیر دائم مخالفت کردند. با اعتراض سرسختانه ایالات متحده آمریکا، انگلستان و فرانسه، این مساله به طور جدی در مجمع عمومی مطرح نشد و با گذشت زمان اهمیت خود را از دست داد (سیمبر، ۱۳۷۴: ۲۱-۴۴)

### ۸-۲- اصلاح آیین کار شورای امنیت

درمورد اصلاح آیین نامه های شورای امنیت، نیز تا کنون دیدگاه و نظرات مختلف و متعددی مطرح شده است که قسمت اعظم آن به مسئله ی حق وتو باز می گردد.<sup>۱</sup> امتیاز حق وتو در حقیقت باعث شده است که بسیاری از تلاش های ملل و دول جهان برای احقاق حقوق و اجرای عدالت با شکست مواجه شود چرا که کشور دارنده ی این امتیاز می تواند به تنهایی مصوبه ای را که چه بسا مورد قبول تمامی کشورهای عضو سازمان ملل باشد را ساقط و آن را باطل کند.

مثال بارز این مسئله را میتوان در موضوع حمایت های همه جانبه ی آمریکا از اسرائیل عنوان کرد که بارها و بارها تلاش جمعی بسیاری از کشورهای جهان که خواستار محدود کردن اسرائیل از طریق سازمان ملل شده بودند را ناکام گذاشته است. استفاده-ی غیر منصفانه از حق وتو باعث شده است که بسیاری از کشورهای جهان، مخصوصاً کشورهای پیرامونی و حاشیه ای سازمان

<sup>۱</sup> مسئله وتو به هیچ وجه در منشور سازمان ملل وجود ندارد و این مسئله به اصرار ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در کنفرانس سانفرانسیسکو در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ میلادی که یکی از کنفرانسهای مقدماتی تشکیل سازمان ملل بود مطرح و گنجانده شد.

ملل را به دید یک آلت دست از سوی کشورهای قدرتمند جهانی بنگرند و برای این سازمان یک نقش منفی در مناسبات جهانی قائل شوند.

برخی از این کشورها با اتخاذ یک موضع یوتوپایی خواستار لغو این امتیاز شده اند ولی برخی دیگر از کشورها با اتخاذ یک رویکرد میانه روانه خواستار تعدیل و قانونمند تر شدن این امتیاز برای کشورهای دارنده ی آن شده اند. در شورای امنیت تصمیمات مربوط به مسائل تشریفاتی با اکثریت ۹ رأی اتخاذ میشود. در سایر موارد شورای امنیت با اکثریت ۹ رأی نسبت به ۱۵ رأی تصمیم میگیرد. مشروط به اینکه ۵ رأی اعضای دائمی شورا در موقع تصمیم مثبت باشد. پس هیچ تصمیمی نمیتواند بدون موافقت یکی از اعضای دائمی اتخاذ شود. این مکانیسم به «حق وتو» معروف شده است. (کرمی، ۱۳۷۵)

### ۸-۳- حق وتو و وضعیت جدید شورای امنیت

اگر در یک نظام رای گیری نظر مخالف یک یا چند رای دهنده، فارغ از نتیجه شمارش آرا، بتواند نتیجه را ملغی کند می گویند «رای وتو شده است». در منشور سازمان ملل متحد هرگز کلمه ای به نام وتو قید نشده است بلکه لزوم جلب ۹ رأی موافق از مجموع ۱۵ رأی اعضای شورای امنیت که باید شامل ۵ رأی موافق اعضای دائم شورا باشد مطرح است، به این ترتیب مخالفت یکی از اعضای دائم به معنای عدم تصویب قطعنامه و به اصطلاح وتوی آن است.

از زمان آغاز به کار سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ تاکنون در مجموع ۲۶۱ مورد اعضای دائم شورای امنیت از حق وتو در موارد مختلف استفاده کرده اند که شوروی و بعداً روسیه با ۱۲۳ مورد در رأس و سپس آمریکا با ۸۲ مورد، انگلیس با ۳۲ مورد، فرانسه با ۱۸ مورد و چین با ۶ مورد در مراتب بعدی قرار دارند.

بیشتر موارد استفاده از حق وتو در دوران جنگ سرد و رویارویی ابرقدرت های آمریکا و شوروی بود که شوروی سابق به دلیل مخالفت با سیاست های نظام سرمایه داری غربی به وتو قطعنامه های شورای امنیت اقدام می کرد؛ به طوری که "آندره گرمیکو" وزیر امور خارجه شوروی در سال های ۱۹۵۷ تا ۱۹۸۵ به آقای "نه" معروف شده بود. (موسی زاده، ۱۳۸۲: ۱۱۳)

### ۹. حذف حق وتو

اگر حق وتو وجود نداشت، امکان داشت که برخی از قدرت ها همان طور که در جامعه ملل اتفاق افتاد، سازمان ملل را ترک کنند. دلیل دیگر این که حق وتو عامل متوازن کننده ای در برابر مجمع عمومی است. دلیل دیگر این که حق وتو یک امتیاز قانونی است که در سال ۱۹۴۵ کلیه کشورهای موسس و پس از آن، اعضاء جدید سازمان با تصویب منشور ملل متحد برای پنج عضو دائم شورای امنیت پذیرفته اند. (آقایی، ۱۳۷۵: ۱۸۳)

مخالفان حق وتو آن را وسیله ای برای محدودیت و یا از بین بردن کارایی شورای امنیت میدانند، چراکه اعضای دائم به هنگامی که منافع حیاتی خود را در خطر ببینند از اعمال آن خودداری نمیکنند. در بسیاری از موارد اعضای دائمی به جای دادن رأی مخالف که منجر به جلوگیری از تصمیم گیری شورا میشده است، ترجیح داده اند از دادن رأی خودداری کنند. روش خودداری از رأی اگر چه از ماده ۲۷ منشور مورد پیش بینی قرار نگرفته اما توسط عموم کشورها پذیرفته شده است و اکنون تفسیر جاافتاده و صحیحی از مفهوم «توافق» به حساب می آید. (باوت، ۱۳۷۳: ۵۸)

#### ۱۰. طرح‌ها و راهکارهای اصلاح ساختار شورای امنیت

##### ۱۰-۱ الگوهای کلان گسترش شورای امنیت

از همان ابتدای شکل‌گیری شورای امنیت اعتراضاتی به ترکیب آن شکل گرفت و در ۱۹۵۶ منسجم شد و در ۱۹۶۵ یک سری اصلاحات انجام شد و ترکیب فعلی آن شکل گرفت اما همچنان به جهت حوادث مختلف تغییرات دیگری نیز ضروری به نظر می‌رسید که الگوهای متفاوتی برای آن ارائه شده که عبارتند از:

##### ۱۰-۱-۱ الگوی حفظ وضع موجود

که در آن تمام تغییرات و اصلاحات مبتنی بر حفظ حق وتو و عضویت دائم همان ۵ کشور فعلی است و موافقان آن علاوه بر کشورهای عضو دائم فعلی، کشورهایی هستند که شانس برای خود در عضویت شورای امنیت نمی‌بینند و درعین حال نگران عضویت رقبای منطقه‌ای خود هستند. (احمدی، ۱۳۸۵: ۱۴۶).

گروه دوم کشورهایی هستند که دلیلی نمی‌بینند که امکان عضویت دائمی در شورا را برای تعدادی از قدرتهای متوسط فراهم کنند. بدون اینکه این کشورها در آینده کوچکترین احساس پاسخگویی در برابر آنها داشته باشند. این کشورها ترجیح می‌دهند فرصت بیشتری برای عضویت خود در شورا حفظ کنند یا حداقل کشورهای خواهان عضویت در شورای امنیت در هر مرحله به رأی آنها نیاز داشته باشند (همان).

این الگو با انتقادهای زیادی مواجه است که باید به آن پاسخ گوید؛ مانند اینکه چرا از ابتدا، عضوی از آفریقا و یا آمریکای لاتین در این شورا نبوده؟ و یا اینکه چرا اکثریت این شورا با کشورهای آتلانتیک شمالی است؟

##### ۱۰-۱-۲ الگوی گسترش کاذب

در این الگو ۵ عضو به اعضای دائم شورا اضافه می‌شوند که حق وتو ندارند. به غیر از آلمان و ژاپن سه عضو دیگر هم از کشور های در حال توسعه خواهند بود.

این پیشنهاد مخالفین کمی در بین اعضای دائم فعلی دارد.

این پیشنهاد ترکیب را بیشتر به نفع کشورهای صنعتی می‌چرخاند و شورا را غیر دموکراتیک تر خواهد کرد

##### ۱۰-۱-۳ الگوی گسترش عملی

در این الگو ۹ عضو به ۱۵ عضو فعلی شورای امنیت افزوده می‌شود و این ۹ عضو جدید شامل ۵ عضو دائم و ۴ عضو غیر دائم جدید می‌باشد.

اعضای دائم جدید به غیر از ژاپن و آلمان شامل ۳ کشور از مناطق آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین خواهد بود و ۴ عضو غیر دائم از مناطق آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و اروپای شرقی خواهد بود.

اشکال این طرح این است که موازنه قدرت شورا را به سمت کشورهای جنوب تغییر نمی‌دهد اما به هر حال نسبت به دو الگوی قبلی بیشتر منعکس کننده حساسیت‌های کشورهای در حال توسعه است و واقعیت‌های جغرافیایی و سیاسی را بیشتر مد نظر قرار داده است.

به نظر می‌رسد که کشور های در حال توسعه این الگو را به عنوان راه حل مصالحه نهایی پذیرا شده اند چرا که تا ایده آلهای آنها فاصله زیادی دارد.

#### ۱۰-۱-۴- الگوی گسترش دموکراتیک

در این الگو سعی شده که گروه بندی منطقه ای کشورها، نمایندگی شود و به نظرات کشورهای ضعیف اهمیت داده شود با اجرای شیوه تصمیم گیری مشورتی توزیع قدرت بهتری انجام شود.

گسترش حق و تو به سایر اعضای شورای امنیت در صورت لزوم از دیگر گزاره های این الگو است

هرچند که این الگو مشروعیت شورای امنیت را در سر تا سر جهان افزایش می دهد اما کشورهای شمال با این دلیل که افزایش اعضا مانع از تصمیم گیری سریع، به موقع و تاثیر گذار می گردد؛ مانع آن می شوند.

همه مدل های اصلاح ساختار شورای امنیت مورد بررسی قرار گرفت و جزئیات آنها بررسی شد. هیچ کدام از این مدل ها تا کنون مورد پذیرش قرار نگرفته است هر چند تلاشهای بسیاری از جانب گروه های مختلف انجام شده است.

به نظر می‌رسد که باید روی مدل هایی کار کرد که شورای امنیت را خیلی بزرگ نکنند و برای حصول موافقت دو سوم اعضای سازمان ملل و اعضای دائم فعلی، حق وتوی جدیدی در آن لحاظ نشود.

#### ۱۱. مدل های پیشنهادی از جانب سازمان ملل و نهادهای مرتبط

##### ۱۱-۱- مدل های پیشنهادی از جانب هیأت عالی رتبه سازمان ملل

این مدلها توسط گروه کاری بدن محدودیت ارائه شده است. این گروه شامل کمیته ۱۶ نفری است که توسط دبیر کل در سال ۲۰۰۳ تشکیل شد. در گزارش ۹۶ صفحه‌ای این گروه که با عنوان «آزادی بیشتر: به سوی توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همه» توسط کوفی عنان منتشر شد در بخش گسترش شورای امنیت دو طرح ارائه گردید که هر دو طرح ناظر به افزایش اعضای شورای امنیت به ۲۴ عضو است که با عنوان مدل های الف و ب مطرح شده اند.

##### ۱۱-۱-۱- مدل الف

در مدل الف شش کرسی دائمی بدون وتو و سه کرسی تازه غیر دائم و دوساله پیش بینی شده است. در توزیع کرسی های دائم دو کرسی به افریقا دو کرسی به آسیا و اقیانوسیه، یک کرسی دائم به اروپا و یک کرسی دائم به قاره امریکا تعلق می گیرد (ووترز و رویز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵: ۱۹). بر اساس این طرح، توزیع کرسی های غیر دائم دو ساله تازه و کنونی به صورت زیر خواهد بود: چهار کرسی برای قاره افریقا، سه کرسی برای قاره آسیا و اقیانوسیه، دو کرسی برای اروپا و چهار کرسی برای امریکا. در این طرح تمام سیزده کرسی غیر دائم دو ساله و تجدید نشدنی خواهد بود. (یزدانی و دوستی، ۱۳۸۷: ۳۲-۱).

##### ۱۱-۱-۲- مدل ب

در مدل ب، هیچ کرسی دائم پیش بینی نشده است؛ اما گروه تازه ای از هشت کرسی تجدید شدنی چهار ساله و یک کرسی تازه غیر دائم و تجدید نشدنی دو ساله که بین حوزه های منطقه ای مهم تقسیم خواهد شد، ایجاد میشود. بر پایه مدل بف توزیع کرسی های چهار ساله تجدید شدنی این گونه خواهد بود که به هر حوزه منطقه ای (افریقا، آسیا و اقیانوسیه، اروپا و امریکا) دو

<sup>۱</sup> Wouters and Ruys

کرسی اختصاص خواهد یافت. بر پایه این طرح توزیع کرسی‌های غیر دائم و تجدیدنشدنی دو ساله اینگونه خواهد بود که به حوزه منطقه‌ای افریقا چهار کرسی، به آسیا سه کرسی، به اروپا یک کرسی و به امریکا سه کرسی تعلق می‌گیرد. (همان).

در هر دو مدل، با توجه به اصل ۲۳ منشور، یک روش تشویق را برای دولت‌های عضو کمک به امنیت و صلح جهانی در نظر می‌گیرند که باید توسط مجمع عمومی تحقق پذیرد. همچنین هر دو مدل، روش‌های مشاوره‌ای منطقه‌ای را برای انتخاب اعضای شورای امنیت از طریق ارجحیت برای اعضای دائم و یا آنهایی که سابقه بلند مدت تر دارند در نظر می‌گیرند. این اولویت برای دولت‌هایی که در زمره ۳ تامین کننده عمده مالی در حوزه منطقه‌ای مربوطه شان برای تنظیم بودجه، یا ۳ اهداء کننده داوطلبانه برتر در حوزه منطقه‌ای ایشان، یا ۳ کمک کننده عمده نظامی از حوزه منطقه‌ای ایشان برای ماموریت‌های حفظ صلح ملل متحد هستند، صورت می‌گیرد (مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۵: ۴۶۵)

## ۱۲. طرح‌های ارائه شده از جانب کشورها و مجامع دولتی

### ۱۲-۱- طرح گروه ۴

این گروه شامل آلمان، ژاپن، برزیل و هند است. رهبران این چهار کشور در پنجاه و نهمین نشست سران مجمع عمومی موافقت کردند که از عضویت دائم یکدیگر در شورای امنیت حمایت کنند. طرح این گروه طی قطنامه پیشنهادی در ۶ جولای ۲۰۰۵ در اختیار مجمع عمومی قرار گرفت. در این مدل با افزایش ۶ کرسی دائم و ۴ کرسی غیر دائم شمار اعضای شورای امنیت به ۲۵ عضو افزایش می‌یابد. از ۶ کرسی دائم قاره افریقا و آسیا هر کدام ۲ کرسی و به گروه اروپای غربی و سایرین ۱ کرسی و به امریکای لاتین و حوزه کارائیب نیز ۱ کرسی تعلق می‌گیرد. توزیع ۴ کرسی غیر دائم نیز به این صورت است که آفریقا، آسیا، اروپای شرقی و امریکای لاتین و حوزه کارائیب هر کدام دارای یک کرسی می‌شوند (امیری وحید، ۱۳۸۴: ۷۳-۵۲)

اعضای گروه ۴ از این واقعیت آگاهند که برای کسب کرسی دائم در شورای امنیت نیاز به جلب دو سوم آرای مجمع عمومی است؛ که اکثر آنها را دولتهای در حال توسعه از افریقا و آسیا تشکیل می‌دهد. بر همین اساس سعی دارند با در نظر گرفتن کرسی‌های دائمی و غیردائمی برای آنها موافقت و نظر مساعد این کشورها را جلب کنند (فلامینی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵: ۲). مهمترین تفاوت این طرح با طرح اتحادیه افریقا در این است که در این طرح به علت مخالفت چین و بی میلی امریکا، بحث کسب حق وتو به مدت ۱۵ سال از زمان عضویت دائم مسکوت می‌ماند.

### ۱۲-۲- طرح اتحادیه افریقا<sup>۲</sup>

اتحادیه افریقا بر تامین حق مشروع افریقا براساس موقعیت جغرافیایی و این که هرگونه اصلاحاتی در سازمان ملل باید تمام ارکان آن از جمله شورای امنیت را در برگیرد، تاکید می‌کنند. در این قاره مصر، افریقای جنوبی و نیجریه جلودار مدعیان عضویت دائم در شورای امنیت هستند. طبق طرح این اتحادیه با افزایش ۶ کرسی دائم با حق وتو و ۵ کرسی غیردائم، اعضا شورا را باید به ۲۶ عضو رساند. از ۶ کرسی دائم به آسیا و افریقا هر کدام ۲ کرسی و به گروه اروپای غربی و سایرین و نیز امریکای لاتین و حوزه کارائیب هر کدام یک کرسی تعلق می‌گیرد.

در توزیع ۵ کرسی غیردائم نیز افریقا ۲ کرسی و آسیا، اروپای شرقی، امریکای لاتین و حوزه کارائیب هر کدام باید یک کرسی داشته باشند (اوکومو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵: ۴).

<sup>۱</sup> Flamini

<sup>۲</sup> Africa Union Model

<sup>۳</sup> OKumu



اکنون ۵۴ کشور آفریقایی که اکثرشان عضو اتحادیه آفریقا هستند، خواهان کسب کرسی در شورای امنیت سازمان ملل هستند تا بتوانند در مواقع بحرانی، حقوق اجتماعی از دست رفته ساکنان این قاره را احیا کنند.

### ۱۲-۳- مدل‌های جنبش اتحاد برای اجماع<sup>۱</sup>

ارژانتین، ایتالیا، پاکستان، مکزیک، کانادا، کره جنوبی، اسپانیا و ترکیه در برابر گروه ۴ گروه اتحاد برای اتفاق را تشکیل دادند. به نظر این گروه، طرح گروه ۴ برای افزایش شمار اعضای شورای امنیت تبعیض‌آمیز است و هژمونی‌های سطحی در سراسر جهان ایجاد می‌کند که در کار شورای امنیت اخلاص و کندی ایجاد خواهد کرد.

این گروه معتقد است که هرگونه گسترش در شورای امنیت باید آن را دموکراتیک‌تر، شفاف‌تر، مؤثرتر و پاسخگوتر کند. این گروه در رابطه با گسترش شورا در آوریل ۲۰۰۵ دو مدل موسوم به مدل آبی<sup>۲</sup> و مدل سبز<sup>۳</sup> را ارائه کردند.

### ۱۳. مواضع و موانع اصلاح ساختاری شورای امنیت

#### ۱۳-۱- مواضع اعضای دائم شورای امنیت

##### • ایالات متحده آمریکا:

قدرت و جایگاه ایالات متحده پس از فروپاشی شوروی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی به گونه ای است که هیچ یک از رقیبان را توان مقابله با آن نیست. حمله آمریکا به عراق نشان بارز این تواناییهای آمریکا بود که علی رغم عدم تأیید توسط شورای امنیت صورت گرفت. در واقع آمریکا با توجه به منافع و اهداف خود و اینکه سازمان ملل تا چه حد می تواند به عنوان ابزاری برای رسیدن به این اهداف باشد به سازمان ملل توجه می کند. این دیدگاه بعد از ورود نومحافظه‌کاران به کاخ سفید تقویت شد، بطوری که جرج بوش بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر با الهام از عقاید نو محافظه‌کاران مدعی شد که شورای امنیت در مواردی که منافع قدرت های بزرگ ایجاب می‌کند، نباید تأکید ویژه‌ای بر حفظ هنجارها و مقررات جهانی داشته باشد (ترابی، ۱۳۸۵) و در استراتژی امنیت ملی آمریکا که در زمان دولت بوش منتشر شده، آمده است ما آماده هستیم تا به گونه ای جداگانه و مستقل از شورای امنیت، زمانی که منافعمان اقتضاء می کند عمل کنیم.

آمریکا معتقد است ساختار کنونی شورای امنیت مناسب نیست چون قدرت هر کشور را برای حفظ صلح و تحقق اهداف بشردوستانه مورد نظر خودش، محدود می کند.

##### • روسیه

روسها به آلمان و ژاپن به چشم توانمندان اقتصادی- مالی نگاه می‌کنند که باید تا حدی بار مالی و هزینه های تبدیل شوروی به روسیه را تقبل نمایند، از سوی دیگر روسها با ژاپنی ها بر سر جزایر کوریل اختلافات حل نشده دارند که سعی می‌کنند از آنها به عنوان ابزاری برای چانه زنی استفاده کنند. براین اساس دولت روسیه بدون اشاره به افزایش اعضای شورای امنیت، خواهان یافتن راه و روشهایی برای تقویت شورای امنیت به عنوان نهاد مرکزی سازمان ملل متحد است که عهده دار اصلی حفظ صلح و امنیت بین المللی می باشد (شاکریان ۱۳۷۴).

<sup>۱</sup>. United For Consensus (UFC)

<sup>۲</sup>. Blue Model

<sup>۳</sup>. Green Model

### • چین

چین با حمایت از اصلاحات در سازمان ملل سعی در شکل دهی به چند جانبه گرایی و موازنه قدرت است، اما از اینکه با عضویت کشورهای توسعه یافته شورای امنیت تبدیل به باشگاه ثروتمندان شود نگران است (حاتمی، ۱۳۸۴: ۹). علاوه بر این چین به دلیل مسایل ژئوپلیتیکی مخالف عضویت ژاپن و هند در شورای امنیت است، این امر باعث شد که چین تلاش گسترده ای علیه پیش نویس قطعنامه ارائه شده از سوی گروه ۴ با هدف جلوگیری از عضویت ژاپن در شورا انجام دهد. به دنبال آن چین سعی کرد با نزدیک شدن به گروه اتحاد برای اتفاق تلاش گسترده ای را برای اعمال نفوذ بر کشورها به ویژه در آفریقا و آسیا، برای جلوگیری از حمایت آنها از پیش نویس مذکور به عمل آورد (۴۸).

### • انگلستان و فرانسه

برخلاف سه کشور قبلی فرانسه از عضویت دایم ۶ کشور و از جمله آلمان حمایت می‌کند. چرا که شورای امنیت بزرگتر مشروعیت بیشتری خواهد داشت و اعضای جدید از جمله آلمان، برزیل، هند و دو کشور آفریقایی جانب فرانسه را خواهند گرفت. همچنین فرانسه و انگلستان متوجه هستند که مخالفت با عضویت آلمان، روابط میان لندن، پاریس و برلین را تیره خواهد کرد و منجر به فشار برای کسب کرسی دائم به نفع اروپا و نه فرانسه و انگلیس خواهد شد (گوردون، ۱۳۸۴). انگلستان که بطور تلویحی از اعطای حق عضویت دایم به چند کشور جدید حمایت کرده است می‌گوید با برخورداری این کشورها از حق وتو مخالف است.

### ۱۳-۲- موضع غیر متعهدها

کشورهای عضو غیر متعهدها نیز بنا به شرایط جغرافیایی و جمعیتی خود خواهان کرسی هایی در شورای امنیت هستند. کشورهای عضو جنبش عدم تعهد به عنوان یک مجموعه در راستای حمایت از عضویت دائم کشورهای دیگری غیر از کشورهای کنونی دارای امتیاز وتو، گام برداشته اند. به عنوان مثال می‌توان به اعلامیه سیاسی اجلاس ۱۹۷۶ سران در «کلمبو» اشاره کرد که در آن آمده بود: کنفرانس از این که یک کشور عضو به واسطه سوء استفاده از قدرت وتو از پذیرش کشورهای که کاملاً واجد شرایط احراز چنین مقامی هستند جلوگیری کرده بود، عمیقاً اظهار تأسف کرد (ثقفی عامری، ۱۳۷۶: ۲۱-۲۲)

### ۱۳-۳- موضع ایران

جمهوری اسلامی ایران درباره حق وتو به عنوان کلیدی ترین مسئله در نظام ملل متحد، صریح ترین مواضع را در مقایسه با سایر اعضای ملل متحد طی ۳۴ سال گذشته داشته و دارد. جمهوری اسلامی ایران به حق، حق وتو را قانون جنگل، توحش، بی عدالتی، زورگویی، قانون شکنی، جانبدارانه، غیرشفاف و در خدمت مطامع و منافع اعضای دائم، خصوصاً اعضای غربی و آمریکا می‌داند. جمهوری اسلامی ایران در واقع همواره منتقد و افشاکننده سیاست های صاحبان وتو در شورای امنیت بوده و هست.

از دید جمهوری اسلامی ایران موضوع ترکیب و تعداد اعضای شورای امنیت مهم ترین بحث این گروه است و مشخصاً جمهوری اسلامی ایران معتقد است هر نوع تغییر و اصلاح در ساختار شورای امنیت سازمان ملل متحد باید با در نظر گرفتن سهم کشورهای جهان سوم همراه باشد.

مسئله دیگری که احساس می‌شود نیاز به اصلاح و تجدید نظر در آن است روش تصمیم‌گیری در شورای امنیت است. حق وتو امتیاز ناعادلانه‌ای است که کشورهای فاتح جنگ جهانی دوم در اوایل کار سازمان ملل برای خود قائل شدند. جمهوری اسلامی ایران قویاً با حق وتو که در واقع خلاف عقل، منطق و حتی مغایر با برخی از اصول منشور سازمان ملل متحد است، مخالف است.

مقوله بعدی، مجمع عمومی است که قطعاً از مهم ترین و جامع ترین ارکان سازمان ملل متحد محسوب می شود، در نتیجه جایگاه و نقش مجمع عمومی باید در کلیه زمینه ها و حتی در مواردی که به نحوی با صلح و امنیت بین المللی ارتباط پیدا می کند، تقویت شود. تقویت نقش مجمع عمومی، زمانی امکان پذیر است که مسائل مهم بین المللی، چون مسائل مربوط به خلع سلاح و امنیت، توسعه و رشد اقتصادی، حقوق بشر و عملیات حفظ صلح، در این مجمع مطرح گردد و راهکارهای لازم برای مصوبات آن در نظر گرفته شود (آقایی: ۹۲) جمهوری اسلامی ایران بر این اعتقاد است که برای تقویت نقش مجمع، لازم است که امر نظارت توسط مجمع بر سایر ارگان های سازمان ملل تحقق یابد و این مجمع بتواند نسبت به گزارش های شورای امنیت و یا دبیر کل نظری تحلیلی و نقادانه داشته باشد (همان)

مقوله بعدی اصلاح کار دبیر خانه می باشد که امری اجتناب ناپذیری باشد، از دید جمهوری اسلامی ایران، ایجاد نظم و انضباط در دبیرخانه و پرهیز از دوباره کاری ها و بروکراسی بی مورد و کاهش هزینه های اداری، لازمه ایجاد و یا داشتن یک دبیرخانه کار آمد و موثر است و اصلاحات مدیریتی و پرسنلی باید به تحقق اصل توزیع عادلانه جغرافیایی و افزایش نمایندگی کشورهای در حال توسعه در دبیرخانه کمک کند. (آقایی، همان، ص ۹۳)

مورد دیگر اینکه در طرح ها و پیشنهادهایی که جهت اصلاح کارسازمان ملل مطرح می گردد، بر ادغام برخی از بخش های این سازمان مخصوصاً بخش های اقتصادی و اجتماعی، تاکید گردد. از نظر جمهوری اسلامی ایران اتخاذ رهیافتی متوازن در زمینه توسعه اقتصادی؛ توسعه اجتماعی و حفاظت از محیط زیست می تواند منافع همه کشورهای اعم از شمال و جنوب را تامین نماید. موضوع توسعه و اهمیت آن را می توان از زاویه دیگری نیز دید، تقویت نقش سازمان ملل در امر توسعه یقیناً موجب ارتقا صلح و ثبات در سطوح ملی و بین المللی خواهد شد. در این تحلیل صلح و توسعه دو عنصر جدا نشدنی هستند و از این منظر است که امر توسعه برای کشورهای جهان سوم در اولویت اصلی قرار دارد. (آقایی همان، ص ۹۳)

#### ۱۴. موانع اصلاح ساختار شورای امنیت

اصلاح ساختار شورای امنیت بیش از یک دهه است که در دستور کار قرار دارد. ولیکن دولتهای عضو در رسیدن به توافقی در خصوص چگونگی گسترش تعداد اعضای شورای امنیت و اعطای حق وتو به دیگر اعضا شکست خورده اند. در این ارتباط هیچ پیشنهاد و طرح واحدی نتوانسته حمایت اکثریت را به دست آورد. در نتیجه شورای امنیت همچنان ساختار قدرت جهانی سال ۱۹۴۵ را به آن ۵ قدرت پیروز جنگ جهانی دوم این امتیاز را به دست آورده اند منعکس می سازند.

عملاً تنها عامل مشترک میان ۵ قدرت مزبور، دارا بودن سلاحهای اتمی براساس معاهده منع اشاعه سلاحهای هسته ای است. شورای امنیت در ساختار فعلی خود به سود شمال صنعتی شده همچنان نامتوازن باقی مانده است. مهمترین و اصلی ترین مانع، در اصلاحات شورای امنیت، مخالفت ۵ عضو غیر دائم در جهت پذیرفتن هرگونه تغییری است که وضعیت آنها را تضعیف میکند.

#### ۱۴-۱- یکجانبه گرایی امریکا

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان ایجاد هرگونه اصلاحات در سازمان ملل منوط به عبور از مانعی به نام امریکا است امریکایی ها در شرایط کنونی اهرم های قدرت مندی را برای فشار آوردن به سازمان ملل در اختیار دارند که باعث شده است ماهیت این سازمان تا حد زیادی تحت الشعاع سیاست یکجانبه گرایی امریکا قرار گیرد. امریکایی ها در حال حاضر تنها ابرقدرت جهان به شمار می روند و ۲۲ در صد بودجه ی سازمان ملل را نیز تأمین می کنند و چه بسا با عملکرد خود در سالهای پس از فروپاشی اتحاد شوروی نشان دادند که خواهان افزایش اختیارات خود در این سازمان

هستند. لذا با هرگونه حرکتی که به نحوی به کاهش قدرت این کشور در سازمان ملل منجر شود مخالفت خود را نشان داده اند.

#### ۱۴-۲- حق وتوی اعضای دائم

آنچه که به عنوان حق وتو به صورت یک امتیاز ویژه در اختیار اعضای دائم شورای امنیت قرار گرفته، یک ابزار سیاسی برای تثبیت مواضع در شرایط ضعف استدلالی و مقابله با آرای اعضای شورا می‌باشد.

#### ۱۴-۳- عدم توافق اعضا در مورد طرح‌های اصلاحی

پیش شرط ایجاد تغییر در نهادهای فراملی آن است که اتحادی بین منافع سیاسی به وجود آید؛ اما نکته این جاست که کشورها دارای منافع ملی گوناگونی هستند و هنگامی که بر سر میز مذاکره می‌نشینند هر طرف با دیدگاه خاص مربوط به منافع ملی خود، به قضایا می‌نگرند. این امر باعث شده است که اتحاد سیاسی به امر سخت و پیچیده‌ای تبدیل شود.

#### ۱۵. علل شکست طرح اصلاح شورای امنیت

با توجه به تمام مطالبی که در بخشها و فصول گذشته گفته شد میتوان گفت: ایجاد جهان تک‌قطبی آمریکایی موجب شد تا در کنار درگیری‌های فرهنگی و رفتارهای متفاوت در قبال استفاده از زور، اعتبار شورا به مرور کم شود. هرچند سازمان در مواقع بحرانی ترف وضعیت را به خوبی مدیریت کرده است اما اینبار در مقابل این فشار، نتوانست درست عمل کند. اشتباه در این ناکامی تنها به یک کشور باز نمی‌گردد، این مسئله بیشتر عاقبت گسترش سیستم بین‌المللی بوده است.

از زمان پایان جنگ سرد، فرانسوی‌ها، چینی‌ها و روسها به دنبال راهی هستند تا دنیا را به یک سیستم متعادل‌تر بازگردانند. در مقابل چنین مخالفت‌هایی، واشنگتن تصریح کرده که قصد دارد تمام اقداماتی را که باعث حفظ برتری‌اش می‌شود انجام دهد؛ بنابراین در اینجا شاهد تسلط سیاست قدرت و هژمونی بر حقوق و قوانین بین‌المللی هستیم و همچنین شاهد تهدید شدن قانون می‌باشیم؛ آمریکاییها قوانین اصلاح شده را ترجیح داده و تمایل دارند تا فضا را برای رقابتی طولانی و نیز استفاده از قانون به عنوان آخرین پناهگاه آماده نمایند. اجرای قانون در جامعه بین‌المللی، در زمانی که زور غیرقابل پذیرش و پاسخگویی به نارضایتیها ناکام مانده است، امری پسندیده است. با توجه به اینکه سازمان ملل یک سیستم اختیاری است که به توافق یا رضایت دولتها وابسته است، نقض گسترده یک معاهده توسط کشورهای مختلف در یک دوره طولانی، می‌تواند این توافق را دچار وقفه کند، یعنی اعتبار آن را در حد یک قانون کاغذی که به آن عمل نمی‌شود کاهش می‌دهد. در نهایت فعالیت متفاوت دولتها می‌تواند سیستم جدیدی را ایجاد کند که در آن قوانین وضعیت آشفته‌ای می‌یابند و دیگر شفاف و روشن نیستند و در این شرایط هیچ پاسخ مقتدرانه‌ای ممکن نیست. (خسروی، ۱۳۸۴: ۹۷)

#### ۱۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هر چند زمزمه‌های اصلاح ساختار سازمان ملل از بدو تأسیس آن مطرح بود، اما هیچ‌گاه ضرورت چنین اصلاحاتی تا این حد ملموس نبود. بعد از خاتمه جنگ سرد، اتفاق نظر در این مورد که شورای امنیت با ترکیب کنونی منعکس کننده ترکیب جامعه بین‌المللی در دوران معاصر نیست، بیش از پیش قوت گرفت و موجب شد تا اصلاح ساختار شورای امنیت از سال ۱۹۹۳ به این سو، در دستور کار مجمع عمومی سازمان ملل قرار گیرد و یک گروه کاری مرکب از کلیه اعضای سازمان ملل مأمور تدارک آن شود. امروزه، در پرتو تحولات بنیادینی که پس از جنگ سرد در روابط بین‌الملل رخ داده و مسائل جدیدی که در برابر جامعه جهانی مطرح گردیده است، تقریباً همه اعضای سازمان ملل متحد در خصوص اصل تغییر ترکیب و جایگاه قدرت و روش

تصمیم‌گیری در شورای امنیت اتفاق نظر دارند؛ اما پیشنهادات و طرح‌های آنان برای عملی ساختن این امر، بسیار متفاوت است و به همین جهت به رغم بحث و بررسی و تشکیل گروه کاری، طی سال‌های گذشته این موضوع پیشرفت چندانی نداشته است. در واقع، شورای امنیت مهمترین نهاد بین‌المللی است که قدرت‌های بزرگ و متوسط پیوسته کوشش داشته‌اند تا از یک سو قدرت خود را به نحوی در آن منعکس بینند و از سوی دیگر مانع انعکاس قدرت رقبای خود در آن شوند و همین موضوع مانع اصلی اصلاحات در شورای امنیت شده است.

به هر حال با توجه به قدرت‌گیری روندهای نوین سیاسی در قسمت‌های مختلف دنیا در آینده قطعاً بحث اصلاحات در شورای امنیت با جدیت بیشتری دنبال خواهد شد و از هم اکنون بسیاری از کشورها در این باره مواضع خود را اعلام کرده‌اند؛ اما آن گونه که در شرایط حال حاضر می‌توان قضاوت کرد، این تلاش‌ها در راستای اصلاحات در سازمان ملل فقط و فقط در حد یک تئوری باقی مانده‌اند و تاکنون یک اراده‌ی جدی برای تحقق اصلاحات در سازمان ملل به وجود نیامده است. چرا که هنوز بلوک‌های قدرتمندتری که بتوانند در برابر سیستم فعلی قدامت‌گرا بایستند به وجود نیامده و در مراحل اولیه‌ی تکاملی خود قرار دارند و گمان نمی‌رود که در آینده‌ی نزدیک بتوانند از توانمندی کافی در نظام بین‌المللی برخوردار گردند.

شورای امنیت و کشورهای صاحب کرسی دائمی در این شورا به خوبی با توجه به تغییر اوضاع و احوال جهانی توانسته‌اند شرایط را همچنان به نفع خود تعریف کنند حتی در مواردی که متن منشور، نص صریحی در خصوص محدود کردن حوزه اختیارات آنها عنوان کرده است؛ و همچنان این شورا ساختار منفعت‌گانه و انحصاری خود را حفظ کرده و دایره اختیارات خود را گسترش داده است، اما کشورهای جهان سوم در این تغییر و تحولات بنیادین در عرصه روابط بین‌الملل نه تنها نتوانسته‌اند ساختار شورای امنیت را به نفع خود تغییر دهند بلکه از موضوع قبلی خود نیز (که حاوی پاره‌ای امتیازات بود) عقب‌نشسته‌اند و همچنان در این روند به امتیازدهی ادامه می‌دهند.

قبول اینکه شورای امنیت میتواند با سرعت مسائل مهم امنیتی را حل و فصل کند بسیار دشوار است. به نظر میرسد که تحقق چنین ایده‌های مستلزم به اراده بین‌المللی قوی و قدرتمند و پیگیری مجدانه آن است. شورای امنیت نیز هنوز در مواردی که به سلسله مراتب بالای قدرت دینا ارتباطی ندارد، مقید و مؤثر عمل میکند؛ اما برای کارایی بیشتر و بهتر در شورای امنیت نیاز به اصلاح در ساختار آن است که پاسخگوی نیازمندیهای دنیای معاصر و تحولات سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیک باشد.

همچنین برای رعایت حقوق اکثر کشورها باید ساز و کاری جهت کنترل شورای امنیت ایجاد کرد. این کنترل امکان‌پذیر نیست مگر با تقویت مجمع عمومی سازمان و دیوان بین‌المللی دادگستری به نحوی که به صورت ماهیانه یا در فاصله‌های زمانی کوتاه و منظم، مشاوره‌هایی بین رئیس مجمع عمومی و رئیس شورای امنیت برگزار و این نشستها نهادینه شود تا ایجاد رویه کند و به این ترتیب مجمع عمومی به عنوان ابزار بازدارنده شورای امنیت عمل کند. انتقاداتی که اینک در سطح جهانی از شورای امنیت انجام گرفته شامل موارد زیر می‌شود:

۱- شورا امنیت برخلاف سالهای اولیه از آرای کمیته کارشناسان حقوقی استفاده نکرده و نظام حقوقی را رها کرده است.

۲- اقدامهایی را اتخاذ کرده که به موجب منشور صلاحیت آن را نداشته است.

۳- اقدامات شورای امنیت فاقد شفافیت لازم بوده و اصل سری و محرمانه بودن بر اصل شفافیت پیشی گرفته است. (ضایی پرور)

از این رو شورای امنیت و سازمان ملل به سرعت باید اصالت از دست رفته خود را بازیابند، چون در غیر این صورت کشورهای عضو سازمان ملل برای حل و فصل مناقشات و حمایت از منافع خود به سیاست اقدام فردی همانگونه که پیش از تشکیل نظام بین‌المللی وجود داشت دست میزنند و این امر به معنای بازگشت به قانون جنگل است. (ابونعمه، ۱۳۸۲)

در مجموع میتوان گفت، شورای امنیت به منزله مهمترین نهاد بین‌المللی که وظیفه تأمین نظم و امنیت را عهده‌دار است، با توجه به تحولات کنونی و تغییر ساختار نظام بین‌الملل، نیاز اساسی و مبرم به اصلاحات دارد اما با عنایت به این که این نهاد، همواره محل زورآزمایی قدرت‌های بزرگ و متوسط بوده است طوری که این کشورها سعی داشته‌اند تا از یک سو، بازتاب قدرت خود را در این نهاد مشاهده کنند و از سوی دیگر، مانع انعکاس قدرت رقبای خود در آن شوند، بروز مشکلات و موانع بر سر راه اصلاحات شورای امنیت بدیهی‌ترین پیامد این موضوع خواهد بود.

اما با تمام اینها آنچه که باعث می‌شود دورنمای اصلاحات را در سازمان ملل امیدوارانه‌تر تحلیل کرد بروز چالش‌های جدیدی است که هم اکنون در ساختار و بدنه‌ی سیستم کنونی به وجود آمده است و در آینده قطعاً منشأ تحولات بسیاری در سازمان ملل خواهد شد که نمونه‌ی بارز آن را در فرایند چند قطبی شدن نظام جهانی کنونی مشاهده کرد.

## منابع

۱. احمدی، کوروش. ۱۳۸۵، "شورای امنیت و مسئله تجدید ساختار آن، تهران، انتشارات مجد
۲. آقای، داود؛ ۱۳۷۵، نقش و جایگاه شورای امنیت سازمان ملل متحد در نظم نوین جهانی، تهران، انتشارات پیک فرهنگ، چاپ اول
۳. آقای، داود، ۱۳۸۱، ایران و سازمان‌های بین‌المللی: تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۴. آقای، داود، ۱۳۸۴، نقش و شورای امنیت در نظم نوین جهانی، تهران، انتشارات نسل نیکان، پاییز.
۵. آقای، سید داود، ۱۳۸۲. "جایگاه و نقش سازمان ملل در دوره پس از جنگ سرد"، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، برگرفته از: <http://did.ir/document/index.fa.asp?cn=sp00020032002212609>
۶. ترابی، قاسم. زمستان ۱۳۸۵. "اصلاحات شورای امنیت: زمینه‌ها و موانع"، راهبرد، برگرفته از <http://did.ir/document/index.fa.asp?cn=pp00020072004271015>
۷. ثقفی عامری، ناصر، ۱۳۷۰، سازمان ملل متحد: مسیولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
۸. ثقفی عامری، ناصر، ۱۳۷۳، استراتژی و تحولات ژئوپلتیک پس از دوران جنگ سرد، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
۹. دولت‌شاه، حجت، ۱۳۹۲، منشور سازمان ملل متحد، تهران، نشر مجد
۱۰. سیف‌زاده سیدحسین، ۱۳۸۵، اصول روابط بین‌الملل، تهران، نشر میزان، چاپ پنجم
۱۱. کرمی، جهانگیر، ۱۳۷۵، شورای امنیت سازمان ملل متحد و مداخله بشر دوستانه، تهران، وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات

۱۲. گوردون، فیلیپ. اچ. ۱۳۸۴. "سناریویی برای اصلاحات در سازمان ملل"، ترجمه مصطفی شیرمحمدی، برگرفته از: <http://rissna.ir/ViewTK.asp?txtC=t84062601030001001>
۱۳. مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، اصلاحات در سازمان ملل و راهبرد جمهوری اسلامی ایران، معاونت پژوهش های روابط بین الملل، چاپ دوم، (پاییز ۱۳۸۵)،
۱۴. موسی زاده، رضا، ۱۳۷۱، حقوق معاهدات بین المللی، نشر دادگستر، بهار
۱۵. موسی زاده، رضا؛ اصلاحات در سازمان ملل و راهبرد ایران، تهران، انتشارات مجمع تشخیص مصلحت نظام، پاییز ۱۳۸۵، چاپ دوم،
۱۶. موسی زاده، رضا؛ سازمان های بین المللی، تهران، انتشارات میزان، پاییز ۱۳۸۲، چاپ سوم،
۱۷. ناصر ثقفی عامری، ۱۳۷۶، سازمان ملل متحد، مسؤولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات، وزارت امور خارجه، چاپ دوم
۱۸. ابونعمه، حسن، دشمنان شماره یک صلح و امنیت، مترجم لیلا کرمی، روزنامه جام جم، ۸۲/۱۱/۲۰
۱۹. امیری وحید، مجتبی ۱۳۸۴، سازمان ملل متحد در سده بیست و یکم: نگاهی به اصلاحات محتوایی و ساختاری سازمان ملل متحد، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۱۴-۲۱۳
۲۰. سیمبر، رضا، ۱۳۷۴، اصلاحات در سازمان ملل پس از جنگ سرد، فصلنامه سیاست خارجی، سال نهم، شماره ۳
۲۱. قدیری، قدیری، ۱۳۸۳، اصلاحات در سازمان ملل، همشهری، ۱۴ شماره
۲۲. مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، اصلاحات در سازمان ملل و راهبرد جمهوری اسلامی ایران، معاونت پژوهش های روابط بین الملل، چاپ دوم، (پاییز ۱۳۸۵)، ص ۴۶۵.
۲۳. یزدانی، عنایت الله و جعفر دوستی ۱۳۸۷، بررسی طرح های پیشنهادی برای اصلاح شورای امنیت سازمان ملل، فصلنامه سیاست خارجی شماره ۸۱.

24. Flamini, Ronaald 2005, "Battle over Security Reform", available at:

<http://www.wpherald.com>

25. OKumu, Wafula 2005, "Africa and the U.N Security Council Permanent Seat", available at: <http://www.globalpolicy.org>

26. Wouters, Jan and Ruys, Tom 2005, "Security Council Reform: A New Veto for a New Century?" Royal Institute for International Relations, Brussels, available at: <http://www.irri-kiib.be/paperegm/ep.pdf>

## Reforming the Security Council Structure and Examining the Reasons for its Failure

Maryam Moradi<sup>1</sup>, Abu Mohammad Askarkhani<sup>2</sup>, Soodabeh Nasiri Poor<sup>3</sup>

*1- Assistant Professor, Islamic Azad University, Qeshm International Branch, Qeshm, Iran*

*2- Assistant Professor, Islamic Azad University, Qeshm International Branch, Qeshm, Iran*

*3- Master Student in International Law, Islamic Azad University, Qeshm International, Qeshm, Iran*

---

### Abstract

The United Nations is now the scene of confrontation between East and West blocks and ideologies of capitalism and communism, and this is something that especially shows itself in all decisions of the Security Council and to strengthen the role of the UN The government and affiliated international organizations have been successful. They believe that the remaining organizations of the Cold War era do not have the ability to meet the needs of the new era and their efficiency, costs, and time spent forces of the match. Powerful countries in the UN Security Council indicates the position since its founding. In fact, the Council veto, especially for its founding members, namely, the difference between the members who joined later in the United Nations. However, the end of the Cold War showed that the Security Council needs reform is essential for efficiency. The most important thing in this is that the veto is only the fifth country in the world which is one of the reasons for dissatisfaction with other member states. This study intends to review the current structure of the Security Council barriers and guidelines for project evaluation reform it. And seeks to answer the following questions: 1. What are the needs and obstacles to Security Council reform? 2. What are the causes of restructuring the Security Council?

**Keywords:** Security Council, United Nations, international order

---